



سر نوشت ۱۲ گردشگر مفقود شده

مدیرکل مدیریت بحران مازندران خبر داده است که به دنبال مفقود شدن ۱۲ نفر گردشگر در جنگل‌های فیلبند، این موضوع در دستورکار تیم‌های امدادی و بحران استان مازندران قرار گرفت. به گزارش ایسنا، حسینعلی محمدی شیرکلایی با اشاره به پیدا شدن گردشگران مفقود شده در منطقه بیلاقی و تفریحی توریستی فیلبند، گفت: «ساعت ۲۱ روز پنج‌شنبه یکم آبان ماه، گزارشی مبنی بر مفقود شدن چند نفر مسافر در منطقه فیلبند به واحد هشدار سریع این اداره کل داده شد.» او ادامه داد: «۱۵ نفر طبیعت‌گرد اهل تهران در منطقه فیلبند به جنگل‌نوردی پرداخته بودند که سه نفر از آنها برگشتند و ۱۲ نفر دیگر راه را گم کردند که گزارش مفقودی را آن سه نفر اطلاع دادند.» به گفته او، منطقه به شدت صعب‌العبور و فاقد پوشش شبکه مخابرات بود و آخرین موقعیت مکانی این افراد منطقه، جنگلی بین دیبا و سنگال تخمین زده شده که با برنامه‌ریزی تیم‌های امداد و نجات تا عصر روز گذشته جست‌وجو به نتیجه نرسیده بود. باتوجه به محدوده لوکیشنی که داشتیم، ردیابی شدند و خود را به گاوآنان منطقه رساندند و توسط راه‌بلدهای محلی پیدا شده و بازگشتند.



فلج اطفال در همسایگی ایران

رئیس اداره بیماری‌های قابل پیشگیری با واکسن وزارت بهداشت، درباره وضعیت جهانی و منطقه‌ای ریشه‌کنی فلج اطفال، نکاتی را مطرح کرد. محسن زهرایی در این باره گفت: «فلج اطفال (پولیومیلیت) یکی از بیماری‌های ویروسی با اهمیت تاریخی است که در گذشته موجب فلج دائم و مرگ هزاران کودک در سراسر جهان می‌شد. این بیماری عمده‌تاً کودکان زیر پنج‌سال را درگیر می‌کند و از راه مدفوع - دهان منتقل می‌شود.» به گفته او، طی سه دهه گذشته، موارد فلج اطفال ناشی از ویروس وحشی بیش از ۹۹ درصد کاهش یافته است. از میان سه سویه اصلی ویروس (نوع‌های ۱، ۲ و ۳)، دو نوع ۲ و ۳ به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹ به‌طور رسمی ریشه‌کن شده‌اند. در حال حاضر تنها ویروس وحشی نوع ۱ به‌صورت بومی در دو کشور افغانستان و پاکستان در گردش است.



افزایش موارد ابتلا به اچ‌آی‌وی

سازمان جهانی بهداشت (WHO) در منطقه غرب اقیانوس آرام، نسبت به «افزایش شدید» موارد ابتلا به ویروس نقص ایمنی انسانی (HIV) در فیلیپین، فیجی و پاپواگینه‌نود سال‌های اخیر «اپایمدهایی برای امنیت ملی و منطقه‌ای»، ابراز نگرانی کرده است. به گزارش ایسنا، در جلسه اخیر در فیجی که وزرای بهداشت ۳۸ کشور و منطقه در منطقه غرب اقیانوس آرام، همچنین شرکای جامعه مدنی و توسعه را گرد هم آورد، سازمان جهانی بهداشت و برنامه مشترک سازمان ملل متحد در زمینه‌ایندز آسیا و اقیانوسیه برای مقابله با بحران اچ‌آی‌وی در منطقه در جست‌وجو افزایش اپیدمی‌های ملی و یافتن راه‌حلی برای تسریع پیشرفت در پیشگیری از این بیماری، تشکیل جلسه دادند.



Reuters: تکس

گفت‌وگوی «هم‌میهن» با فعالان مدنی ونزوئلایی درباره اهدای جایزه نوبل صلح به ماریا کورینا ماچادو

مثل پتکی بر سر مردم ونزوئلا

فعالان مدنی می‌گویند زنان ونزوئلایی زیر بار خشونت ساختاری زندگی می‌کنند اما نیازی به دخالت خارجی ندارند

(به‌ویژه صلح فمینیستی) نمی‌تواند صرفاً به معنای تغییر رژیم از طریق زور باشد: «بحران ونزوئلا موجب مهاجرت گسترده، تبعید اجباری روزنامه‌نگاران و مدافعان (که بسیاری از آنان زن هستند) و آسیب‌های ساختاری جنسیتی شده است. اگر این جایزه راهبردی را تأیید کند که ممکن است به افزایش نظامی‌گری، تحریم یا مداخله‌ی خارجی بیانجامد، بدون تضمین‌های روشن برای گروه‌های آسیب‌پذیر، آنگاه این با مفهوم عدالت و صلح سازگار نیست.»

مثل پتکی بر سر گروه‌های حقوق بشری

«ماریا سنتنو»، هنرمند تجسمی، معمار و کنش‌گر فمینیست اهل ونزوئلاست؛ او بنیان‌گذار دو مجله در حوزه حقوق زنان است و در شبکه‌ای از سازمان‌های فمینیستی به نام La Araña Feminista (عنکبوت فمینیستی) فعالیت می‌کند. او به «هم‌میهن» می‌گوید اعطای جایزه نوبل به ماریا کورینا ماچادو، چون پتکی بر سر بسیاری از گروه‌های حقوق بشری، سازمان‌های زنان و مردم عادی فرود آمد: «این خبر برای بسیاری مضحک به‌نظر رسید که شخصی که سال‌ها از خشونت و تهاجم نظامی به کشور خود دفاع کرده است، عنوانی برای «صلح» دریافت کند.» اما ضربه نهایی به گفته او، زمانی وارد شد که ماچادو جایزه را به دونالد ترامپ تقدیم کرد؛ مردی که با قدرت نظامی و جنگ اقتصادی خود جهان را به وحشت انداخته، و در همین لحظه قایق‌های کوچک حامل انسان‌های فقیر را منفرج می‌کند و ادعا دارد که در حال جلوگیری از «تهاجم مواد مخدر به آمریکا» است: «ماریا کورینا به‌خوبی می‌داند که این بهانه‌ای برای آغاز جنگ علیه ونزوئلاست؛ این قایق‌های کوچک همان «سلاح‌های کشتار جمعی»‌اند که قرار است بهانه‌ای برای تصاحب نفت و همه‌ی منابع ونزوئلا باشند.»

ماریا می‌گوید ماچادو نفع‌تها از نسل‌کشی در غزه حمایت کرده، بلکه نامه‌هایی به نتانیاهو نوشته و از او برای سرنگونی دولت ونزوئلا درخواست کمک نظامی کرده است: «او در داخل کشور هم بارها کوشیده تا با تهاجم‌های خشونت‌آمیز، استخدام‌مزدوران و درخواست‌تحریم‌های بیشتر علیه کشوری که هم‌اکنون بیش از هزار اقدام قهری یک‌جانبه و غیرقانونی از سوی ایالات متحده و متحدانش را تحمل می‌کند، بی‌ثباتی ایجاد کند.»

«لوس مری لیس»، روزنامه‌نگار ونزوئلایی و یکی از بنیان‌گذاران رسانه دیجیتال Efecto Cocuyo که رسانه‌ای با رویکرد جنسیتی است اما کمی متفاوت‌تر از «ماریا» و «گراسیلا» می‌اندیشد؛ او به «هم‌میهن» می‌گوید، اهدای جایزه نوبل صلح به ماچادو مسئله بسیار بحث‌برانگیزی است و باید از منظر جامعه‌ای دیده شود که دموکراسی خود را از دست داده است: «دلیل این انتخاب، نقش مایادو در رهبری جامعه ونزوئلا به‌سوی یک‌فرآیند انتخاباتی صلح‌آمیز (۲۰۲۴-۲۰۲۳) بود. این بی‌سابقه است که زنی که از حقوق سیاسی خود محروم شده بود، بتواند با وجود تمام دشواری‌ها، کارزار انتخاباتی خود را پیش ببرد و جمعیتی را به حرکت درآورد که

تغییرات فمینیستی اما نه بازور

در طول سال‌ها، «مارینا کورینا ماچادو»، آشکارا از حمایت خارجی برای سرنگونی دولت نیکلاس مادورو سخن گفته است. در سال ۲۰۱۸، او در برابر جامعه بین‌المللی به «اصل مسئولیت در قبال حمایت» (Responsibility to Protect) یکی از دکترین‌های سازمان ملل متحد استناد کرد که در شرایط بحران‌های انسانی شدید، مداخله خارجی را مجاز می‌داند. در سال ۲۰۱۹، او از مجلس ملی ونزوئلا خواست تا با استناد به ماده ۱۸۷ قانون اساسی، ورود «نیروهای چندملیتی» به کشور را برای اهداف به‌ظاهر انسان‌دوستانه تصویب کند. همان سال گفت: «اتنها تهدید معتبر به استفاده از زور می‌تواند به این رژیم جنایتکار پایان دهد.» در سال ۲۰۲۰، ماچادو خواستار ایجاد طرحی به نام «عملیات صلح و ثبات در ونزوئلا» شد؛ ائتلافی بین‌المللی بر پایه پیمان کمک متقابل بین‌آمریکایی برای مداخله در کشور. جالب آن‌که او در همین چارچوب، واژه «صلح» را برای توصیف مداخله نظامی به کار برد. مواضع او در این سال‌ها بیش از پیش با جناح راست افراطی واشنگتن همسو شده: حمایت از استقرار ناوهای جنگی آمریکا در دریای کارائیب و در نهایت، تقدیم جایزه نوبل خود به دونالد ترامپ.

«گراسیلا راک»، مدیر رسانه دیجیتال فمینیستی La Cadera de Eva که در مکزیک مستقر است و در زمینه روزنامه‌نگاری با رویکرد برابری جنسیتی، تحلیل سیاست عمومی فمینیستی و تقویت صدای زنان و افراد با هویت‌های جنسیتی متنوع در آمریکای لاتین فعالیت می‌کند به «هم‌میهن» می‌گوید در وهله نخست، اعطای جایزه صلح نوبل به یک شخصیت ونزوئلایی، از نظر نمادین قدرتمند است: این امر توجه بین‌المللی را جلب می‌کند و مبارزه برای دموکراسی در کشوری تحت فشار اقتدارگرایی را به رسمیت می‌شناسد، اما تقدیم چنین جایزه‌ای به شخصیتی سیاسی مانند دونالد ترامپ، هر چند ممکن است به‌عنوان یک حرکت راهبردی تفسیر شود، لایه‌هایی از پیام‌رسانی سیاسی را می‌افزاید که درک این جایزه را برای بازیگران مختلف منطقه پیچیده می‌کند: «از دید من، اگر چه نمادسازی اهمیت دارد، اما باید پرسید: آیا این تقدیم، آرمان صلح، حقوق بشر و عدالت جنسیتی در ونزوئلا را تقویت می‌کند یا روایت را به محور سیاسی دیگری منتقل می‌سازد؟» او می‌گوید انتقادهای به اهدای جایزه نوبل صلح به ماچادو، هم مشروع و هم ضروری است: «اگر برنده جایزه صلح از سیاست‌های جنگی یا اقداماتی حمایت کند که موجب نقض جدی حقوق بشر می‌شود یا در برابر آنها سکوت اختیار کند، اعطای جایزه صلح به او، تنش‌ی میان نام و روح این جایزه و عملکرد واقعی فرد ایجاد می‌کند.»

او باور دارد که باید هم تأثیر نمادین اعطای جایزه، هم سابقه واقعی فرد را ارزیابی کرد: «اگر معیارها بیش از حد ساده‌انگارانه یا سیاسی شوند، یکپارچگی جایزه ممکن است زیر سوال برود، نه فقط به‌خاطر عملکرد فرد، بلکه به‌خاطر آنچه این جایزه مشروعیت می‌بخشد.» گراسیلا می‌گوید که صلح



«گراسیلا راک»

مدیر یک رسانه

دیجیتال فمینیستی در

مکزیک:

در وهله نخست،

اعطای جایزه صلح

نوبل به یک شخصیت

ونزوئلایی، از نظر

نمادین قدرتمند

است؛ این امر توجه

بین‌المللی را جلب

می‌کند و مبارزه

برای دموکراسی

در کشوری تحت

فشار اقتدارگرایی را

به رسمیت می‌شناسد،

جایزه‌ای به شخصیتی

سیاسی مانند دونالد

ترامپ، هر چند ممکن

است به‌عنوان یک

حرکت راهبردی تفسیر

شود، لایه‌هایی از

پیام‌رسانی سیاسی را

می‌افزاید